



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



## چهره خرد

آیت الله شهید محمد رضا عارفی طباطبائی یزدی دامت برکات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادب چهره خرد (بیانات حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی دامت افاضاته)

نویسنده:

محمد رضا مدرس یزدی

ناشر چاپی:

کریمه اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	ادب چهره خرد (بیانات حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبایی یزدی دامت افاضاته)
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۵	ادب و ارزش انسانی
۱۸	عقل هم نیازمند ادب است
۲۰	خداوند متعال برترین مؤدّب و پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - برترین متأدّب
۲۴	ادب در مقابل خداوند متعال
۲۹	ادب در رابطه با پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - ، ائمه - علیهم السلام - ، علما و اولیا
۳۶	ادب حضور در میان دوستان، مردم و مسجد
۴۱	ادب سلام و هر شادباشی
۴۸	بزرگ شمردن دوستان و مؤمنان، در حضور و غیاب آنان
۵۴	ادب در سخن، و اشاره به تفاوت مرد و زن در برخی آداب
۵۸	ادب مُدارا، هوشیاری و تغافل
۶۱	حتی از کنار عطسه ی مؤمن، بی اعتنا نباید گذشت!
۶۳	نمونه ای از شدت اهتمام یاران امامان - علیهم السلام - به شناخت و عمل به آداب
۶۵	بهترین میراث
۶۷	درباره مرکز

## ادب چهره خرد (بیانات حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی دامت افاضاته)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: مدرس طباطبایی یزدی، سید محمد رضا، ۱۳۳۴

عنوان و نام پدیدآور:

ویرایش و نشر: ادب، چهره خرد / سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی.

گروه معارف مؤسسه پرتو ثقلین

مشخصات نشر: قم: انتشارات کریمه اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۵۹ ص / پالتویی.

شابک:

قیمت: ۹۸۷ ۸۷۷۷ ۹۸۸۸ ۶ ۵

۱۲۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: آداب معاشرت اسلامی

ادب احادیث

قرآن اخلاق

ادب جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره: BP۲۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۸۹۷۷۷۱

ص: ۱













ص: ۶

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾

«و درحقیقت تو به نیکو خلقی بزرگ، آراسته ای»

القلم : ۴

ص: ۷

**فهرست مطالب**

ادب و ارزش انسانی ۹

عقل هم نیازمند ادب است ۱۲

خداوند متعال برترین مؤدّب و پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - برترین متأدّب ۱۴

ادب در مقابل خداوند متعال ۱۸

ادب در رابطه با پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم -، ائمه - علیهم السلام -، علما و اولیا ۲۳

ادب حضور در میان دوستان، مردم و مسجد ۳۰

ادب سلام و هر شادباشی ۳۵

بزرگ شمردن دوستان و مؤمنان، در حضور و غیاب آنان ۴۲

ادب در سخن، و اشاره به تفاوت مرد و زن در برخی آداب ۴۸

ادب مُدارا، هوشیاری و تغافل ۵۱

حتّی از کنار عطسه ی مؤمن، بی اعتنا نباید گذشت! ۵۴

نمونه ای از شدّت اهتمام یاران امامان - علیهم السلام - به شناخت و عمل به آداب ۵۶

بهترین میراث ۵۸

□



ص: ۹

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

### ادب و ارزش انسانی

دوستان بزرگوار عنوان مهمی را برای سخن برگزیده اند و آن شایستگی های اخلاقی و آداب و سنن حسنه در رفتارهای یک فرد مسلمان (۱) می باشد. انصافاً عنوان با ارزش و گران قدری است که باید مرکز توجه همه قرار گیرد. این عنوان دارای ابعاد گوناگون و دامنه ی وسیعی است که پرداختن به همه ی آن ها نیازمند جلسات فراوان و ساعت های زیادی است؛ حتی فهرست گویایی از همه ی آن ها نیازمند بیش از یک جلسه می باشد. اما من سعی می کنم در این دقایقی که خدمت شما عزیزان هستم، بحثی را که شاید بیشتر مورد فراموشی قرار گرفته و بدین جهت یادآوری آن

---

۱- این سخنرانی در جمع فرماندهان و اعضای محترم سپاه الغدیر یزد در تاریخ ۱۲/۸/۹۰ ایراد شده است، و اکنون با اضافاتی و ویرایش، در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

ص: ۱۰

لازم تر است با توجه به روایتی از امیرمؤمنان علی - علیه السلام - مطرح نمایم. از مولای ما امیرمؤمنان علی - علیه السلام - چنین روایت شده است:

يَا مُؤْمِنُ! إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعْلِمِهِمَا؛ فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَأَدَبِكَ يَزِيدُ فِي تَمَنِكَ وَقَدْرِكَ فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَبِالْأَدَبِ تُحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ وَبِأَدَبِ الْخِدْمَةِ يَسْتَوْجِبُ الْعَبْدُ وَلايَتَهُ وَقُرْبَهُ فَاقْبَلِ النَّصِيحَةَ يَحَهُ كَيْ تَنْجُوَ مِنَ الْعَذَابِ؛<sup>(۱)</sup>

ای مؤمن! این دانش و ادب، بهای جان تو است؛ پس در یاد گرفتن علم و ادب بکوش و هر آن چه بر علم و ادب تو افزاید، به بها و قدر تو می افزاید. همانا به وسیله ی علم، به پروردگارت راه می یابی و به وسیله ی ادب، خدمت (عبادت و بندگی) پروردگارت را نیکو می گردانی، و به وسیله ی ادب خدمت، بنده سزاوار ولایت و قرب خداوند می گردد؛ پس پند بپذیر تا از عذاب، رهایی یابی.

خطاب یا مؤمن! خطاب به هر مؤمنی است. مؤمن در غالب روایات یعنی کسی که ولایت امیرالمؤمنین - علیه السلام - و اولاد معصومینش - علیهم السلام - را قبول دارد؛ یعنی علاوه بر اسلام، ایمان هم دارد<sup>(۲)</sup>. البته مؤمن مراتبی دارد؛ مؤمن درجه ی

۱- بحار الأنوار (ط بیروت)، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲- «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: وَلايَتُهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - الْحَبْلُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ: ﴿لَوْ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ كَمَا أَنْ مُؤْمِنًا وَمَنْ تَرَكَهُ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ؛ امام باقر - علیه السلام - فرمودند: ولایت علی بن ابی طالب - علیهما السلام - ریسمانی است که خداوند متعال درباره ی آن فرمود: «همگی به ریسمان الهی چنگ زبید و پراکنده نشوید» پس هر کس به این حبل تمسک جست، مؤمن است و هر کسی که آن را ترک کند، از ایمان خارج است.» بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۶، ص ۱۸. تذکر: لازم به ذکر است که عمدتاً در منابع مورد ارجاع از نرم افزارهای نور استفاده گردیده است، و نیز در ترجمه ی آیات قرآن کریم و روایات از ترجمه های موجود در این نرم افزار، بهره برده شده است.



ص: ۱۱

یک داریم، مؤمن درجه ی دو تا آخر، تا می رسد به مثل بنده که دیگر به قول آقایان در صَفُّ النِّعَالِ و پایین ترین درجات هستیم، ولی خدا را شاکریم که مؤمنیم. حضرت - علیه السلام - می فرمایند: ای مؤمن! این علم و ادب، بهای جانِ توست.

فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهِمَا؛

تلاش کن در فراگیری و یاد گرفتن علم و ادب.

فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَدَبِكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَ قَدْرِكَ؛

هرچه که بر علم و ادب تو بیافزاید، بر بها و ارزش تو می افزاید.

شما تا به حال درباره ی ارزش علم، مطالب زیادی شنیده یا خوانده اید؛ این روایت هم اشاره به ارزش علم

ص: ۱۲

دارد، ولی عنایت در این سخن بر قسمت دوم آن است که معمولاً کمتر از آن صحبت می‌شود؛ یعنی ادب.

### عقل هم نیازمند ادب است

اجازه بفرمایید روایت دیگری از حضرت - علیه السلام - برایتان بخوانم. طبق این روایت که در غررالحکم آمده است، امیرالمؤمنین - علیه السلام - می‌فرماید:

كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ وَالْعَقْلُ يَحْتَاجُ إِلَى الْأَدَبِ؛ ۳ (۱)

هر چیزی محتاج عقل است و عقل، نیازمند ادب است.

یعنی هر اندیشه، حرکت یا برنامه‌ای نیازمند عقل می‌باشد و عقل خود نیازمند ادب است. در روایت دیگری حضرت - علیه السلام - فرمودند:

الْأَدَبُ صُورَةُ الْعَقْلِ؛ ۴ (۲)

ادب چهره‌ی عقل است.

عقلی که در درون انسان‌ها نهفته است، با ادب بروز

۱- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۲۴۸، ح ۵۱۰۲.

۲- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۲۴۷، ح ۵۰۹۷؛ و در ادامه‌ی آن در کنز الفوائد کراچی آمده است: «فَحَسِّنْ عَقْلَكَ كَيْفَ شِئْتَ؛ خرد خود را هر چه خواهی با رعایت ادب، زیبا ساز.» ج ۱، ص ۱۹۹؛ و نیز در روایت از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - آمده است: «حُسْنُ الْأَدَبِ دَلِيلٌ عَلَى صِحَّةِ الْعَقْلِ؛ نیکویی ادب، دلیل بر صحت عقل است.» إرشاد القلوب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۱۹۹.

ص: ۱۳

می‌کند و نمایان می‌شود.

ما تا به حال درباره‌ی لزوم اجتناب از محرمات و انجام تکالیف واجب، مطالب زیادی شنیده ایم، اما درباره‌ی ادب و آداب رفتار انسان با خدای خود، با پیامبر خود، با امامان خود، با خانواده‌ی خود، با جامعه‌ی خود و حتی با حیوانات و جمادات ۵ (۱) هرچند در دایره‌ی واجبات و محرمات قرار نگیرد کمتر شنیده ایم. در حالی که در روایات، عنایت بر مبحث ادب، بسیار زیاد می‌باشد، و هیچ چیز را بدون ادب، ندانسته است. در روایت آمده است:

لِكُلِّ أَمْرٍ أَدَبٌ؛ ۶ (۲)

برای هر کاری، ادبی است.

و از طرف دیگر، روایت می‌فرماید:

لَا شَرَفَ مَعَ سُوءِ الْأَدَبِ؛ ۷ (۳)

۱- «فَأِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبُهَائِمِ؛ همانا از شما می‌پرسند حتی از زمین‌ها و چهارپایان.» نهج البلاغه ی صبحی صالح، ص ۲۴۲، خطبه ی ۱۶۷.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۷، ح ۵۰۹۰؛ البته در برخی نسخه‌ها چنین آمده است: «لِكُلِّ أَمْرٍ إِرْبٌ؛ برای هر کسی نیازی است.» شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۱۳؛ و نیز در کتاب عیون الحکم و المواعظ (للیثی) آمده است: «لِكُلِّ أَمْرٍ أَدَبٌ؛ برای هر مردی، ادبی است.» ص ۴۰۲.

۳- شرح علی مآه کلمه لأمیر المؤمنین - علیه السلام - (ابن میثم البحرانی)، ص ۲۱۰، الکلمه الاربعه و الاربعون؛ و در تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۸، ح ۵۱۲۷ چنین آمده است: «لَا شَرَفَ مَعَ سُوءِ أَدَبٍ.»

ص: ۱۴

هیچ شرافتی با سوء ادب، وجود ندارد.

و در روایت از امام صادق - علیه السلام - آمده است:

خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتِعٍ قِيلَ: وَمَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! قَالَ: الدِّينُ وَالْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَحُسْنُ  
الْأَدَبِ ... ۸؛ (۱)

پنج چیز اگر در کسی نباشد در او بهره‌ی زیادی نیست: دین؛ عقل؛ شرم؛ خوی نیکو و ادب نیکو.

### خداوند متعال برترین مؤدب و پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - برترین متأدب

خداوند متعال ادب‌کننده‌ی پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بود؛ یعنی پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - متأدب به ادب الهی شد:

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾؛ ۹؛ (۲)

(با آن‌ها) مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت کن، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن).

در ذیل این آیه‌ی شریفه، امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید:

۱- الأمالی (للصدوق)، ص ۲۹۱.

۲- سوره‌ی أعراف، آیه‌ی ۱۹۹.

خداوند متعال با این آیه ی مبارکه، پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - را تربیت و مؤدب کرد، بعد از آن که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به ادب الهی متأدب شد، خداوند متعال خطاب به پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛ ۱۰ (۱)

و همانا تو بر ملکه ی نفسانی بزرگی (که همه ی اخلاقِ فاضله ی انسانی در آن جمع است) استواری (۱۱) (۲).

در روایت دیگری آمده است: پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - متأدب به ادب الهی شد و خداوند مؤدب پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بود و پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - امیرالمؤمنین - علیه السلام - را متأدب کرد و ائمه - علیهم السلام - ما را

۱- سوره ی قلم، آیه ی ۴.

۲- «عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَام - يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبُهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ: ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأَمَّةِ لِيَسُوسَ عِيَادَهُ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: ﴿مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - كَانَ مُسَدِّدًا مُوَفَّقًا مُؤَيَّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ لَا يَزِلُّ وَلَا يُخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوسُ بِهِ الْخَلْقَ فَتَأَدَّبَ بِآدَابِ اللَّهِ ...؛ فضیل بن یسار می گوید: شنیدم که امام صادق - علیه السلام - می فرمود: همانا خدای عزوجل پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت کرد. هنگامی که تربیت او را تکمیل کرد، فرمود: «تو بر خلق عظیمی استواری» سپس امر دین و امت را به او واگذار فرمود تا سیاست بندگانش را به عهده گیرد، سپس فرمود: «آن چه را رسول برای شما آورده بگیرد و از آن چه شما را نهی کرده باز ایستید» همانا رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - استوار و موفق و مؤید به روح القدس بود. نسبت به سیاست و تدبیر خلق هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت. به آداب خدا تربیت شد.» کافی، ج ۱، ص ۲۶۶.

ص: ۱۶

ادب می کنند ۱۲ (۱). خداوند متعال سایر پیامبرانش - علیهم السلام - را نیز تعلیم ادب می داد؛ بینید وقتی که حضرت موسی - علیه السلام - به وادی مقدس رسید خداوند متعال فرمود:

﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾؛ ۱۳ (۲)

کفش هایت را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس طوی هستی.

انسان باید در رفتار، اخلاق و گفتار خود، دارای ادب باشد. این چنین نیست که فرد حتی خارج از محدوده ی واجبات و محرمات، آزاد مطلق باشد و هرگونه بخواهد رفتار کند.

در یک نگاه کلی، رعایت ادب از جانب انسان، ابعاد متعددی دارد مثل:

الف. رعایت ادب نسبت به ذات اقدس پروردگار؛

ب. رعایت ادب نسبت به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم -، ائمه ی هدی - علیهم السلام - و قرآن کریم؛

ج. رعایت ادب نسبت به علما، اولیای الهی،

---

۱- «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ إِلَيْهِ (كمیل): يَا كَمِيلُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - أَدَّبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ أَدَّبَنِي وَأَنَا أُدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأُورَثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ؛ امیرالمؤمنین - علیه السلام - در وصیتش به کمیل فرمود: ای کمیل! همانا رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - را خدا تربیت کرد و او مرا و من مؤمنان را، و ادب را بهره ی نیکان قرار دهم.» مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۸.

۲- سوره ی طه، آیه ی ۱۲.

ص: ۱۷

بزرگ سالان در اسلام و ذریه ی پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - ؛

د. رعایت ادب نسبت به پدر، مادر، فرزند و همسر؛

ه. رعایت ادب نسبت به علم، معلّم و عالم؛

و. رعایت ادب نسبت به فرمانده و افراد تحت فرمان؛

ز. رعایت ادب نسبت به کارگر و کارفرما؛

ح. رعایت ادب نسبت به دوستان و معاشران؛

ط. رعایت ادب نسبت به فقیر، درمانده، بیمار، مصیبت زده، اموات و ... ؛

ی. رعایت ادب نسبت به جامعه به طور کلی؛

ک. رعایت ادب رابطه با بیگانگان و کافران؛

ل. رعایت ادب دارایی و مال، طبیعت جان دار و غیر جان دار؛

و ...

به خاطر کمی وقت و مشترک بودن برخی از این ابعاد در دلیل و وجه لزوم رعایت ادب، بدون تفکیک تفصیلی هر بُعد از دیگری، بحث را دنبال می کنیم.

باید توجه کنیم اکثر این آدابی که ذکر می شود گرچه رعایت آن ها واجب نیست اما انسان خالی از این آداب همچون انسان بی لباس یا بدلباسی خواهد بود که نگاه ها در پایین ترین سطح به او متوجه است، یا چون سفره ایست که جز غذای بی مزه و طعم، چیز دیگری در

ص: ۱۸

آن یافت نمی شود و این ها گرچه به طور موردی و در کوتاه مدّت قابل تحمّل است، اما این روش اگر فراگیر و پایدار شود، به اساس نیازهای انسان نیز ضربه می زند و تعهد انسان را در برابر واجبات و محرمات، ضعیف کرده و انسان را در پرتگاه هلاکت قرار می دهد، چنان که ترک برخی آداب، انسان را از رسیدن به کمالات مادی و معنوی محروم می کند:

عَنْ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : مَنْ قَلَّ أَدَبُهُ كَثُرَتْ مَسَاوِيهُهُ؛ (۱)

امام علی - علیه السلام - می فرماید: هر کس ادب او کم باشد، بدی های او فزون خواهد شد.

### ادب در مقابل خداوند متعال

ادب بنده در برابر ربّ العالمین، بالاترین ادبی است که باید رعایت شود. وقتی ما در مقابل خداوند متعال قرار می گیریم و می خواهیم نیایش، پرستش و دعا کنیم، آیا آداب دعا را به جا می آوریم؟ اصلاً آداب صحبت با خداوند چیست؟ آیا این روش صحیحی است که ما انجام می دهیم؟! به گونه ای که گاهی با طهارت، گاهی بی طهارت، گاهی با توجه و گاهی بی توجه به نیایش و دعا می پردازیم. البتّه ذکر خدا در همه حال، خوب است

۱- شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۲۲۴، ح ۸۰۸۹.



ص: ۱۹

«فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ ... ۱۵. (۱)» امّا آن وقتی که ما حاجتی داریم و مقام، مقام عبادت، تضرّع و نیایش می باشد آیا درست است که به درگاه پروردگار عالم به هر روشی وارد شویم؟!

در بعض ادعیه آمده است:

وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ الْأَدَبِ فِيمَا تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ فِيهِ؛ ۱۶ (۲)

حُسن ادب را روزی من فرما در هرچه بدان به سوی تو توجه می کنم.

امام صادق - علیه السلام - در روایتی می فرماید:

إِنَّمَا هِيَ الْمِدْحَةُ ثُمَّ التَّنَاءُ ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ؛ ۱۷ (۳)

جز این نیست که آن (آداب دعا) مدح است، سپس ستایش، بعد اقرار به گناه، آن گاه درخواست.

پس اول باید ستایش، مدح و ثنای الهی را به جای آورده سپس اقرار به گناه کرد، آن وقت از درگاه خداوند چیزی خواست. بعضی فقط دست به آسمان بلند می کنند و می گویند: خدایا خیر دنیا و آخرت به ما بده! گرچه این هم خوب است، ولی ادب نیست؛ بلکه باید

۱- کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۲، ص ۴۰۷.

۳- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۲، ص ۴۸۴.

دید، کجا و در مقابل چه کسی قرار گرفته اید! خدای لایتناهی، ربّ الارباب، مالک یوم الدّین، چه عظمتی دارد! آن خدایی که وقتی ائمه - علیهم السلام - در مقابل او قرار می گرفتند، رنگ از چهره ی ایشان می پرید!

در روایات آمده است: ائمه - علیهم السلام - هنگام وضو، حال شان منقلب می گشت ۱۸ (۱). هر چیزی معیاری دارد و ادب مع الله هم حساب دارد. متأسفانه شیطان تلاش می کند در همه جا رخنه کند و خرابی به بار آورد که یکی از آن ها همین مسأله ی ادب است. این که انسان باید با خدای خود، ادب داشته باشد از واضحات است. امام صادق - علیه السلام - در روایتی می فرماید:

مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - مُتَّكِنًا مُنْذُ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ أَنْ قَبَضَهُ وَكَانَ يَأْكُلُ إِكْلَهُ

۱- «كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَام - إِذَا أَخَذَ فِي الْوُضُوءِ يَتَغَيَّرُ وَجْهُهُ مِنْ خِيفَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَكَانَتْ فَاطِمَةُ - عَلَيْهَا السَّلَام - تَنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ مِنْ خِيفَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَكَانَ الْحَسَنُ - عَلَيْهِ السَّلَام - إِذَا فَرَّغَ مِنْ وَضُوئِهِ يَتَغَيَّرُ لَوْنُهُ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ حَقٌّ عَلَيَّ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ عَلَيَّ ذِي الْعَرْشِ أَنْ يَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ وَيُرْوَى مِثْلُ هَذَا عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ - عَلَيْهِ السَّلَام -؛ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَام - هَرِگَاه وَضُوئِهِ مِي سَاخْت، رَنگ چهره اش از خوف خداوند متعال تغییر می کرد. حضرت فاطمه - علیها السلام - به هنگام نماز از خوف خداوند باری تعالی نفسش به شماره می افتاد. امام حسن - علیه السلام - وقتی از وضو فارغ می گردید رنگ چهره اش تغییر می کرد، هنگامی که از وی درباره ی علت این حالت سؤال کردند، فرمود: سزاوار است که وقتی در برابر پروردگار صاحب عرش می ایستیم، رنگ از چهره ی ما پریده باشد. و شبیه این روایت را درباره ی امام سجّاد - علیه السلام - هم نقل کرده اند.» بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص ۴۰۰.

ص: ۲۱

العَبْدِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ. قُلْتُ: وَ لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: تَوَاضَعًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ ۱۹ (۱)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - از آن گاه که خداوند او را مبعوث کرد تا وقتی که خداوند او را قبض روح کرد، هرگز به هنگام غذا خوردن تکیه نکردند و همواره مانند بندگان غذا می خوردند و می نشستند. (راوی می گوید) گفتم: علت این کار چه بوده است؟ حضرت - علیه السلام - فرمودند: برای فروتنی به پیش گاه خداوند عزوجل.

آن وقت می بینیم عدّه ای به نام صوفی پیدا شده، گفته اند: وقتی که انسان دوست خدا شد و محبت خدا را پیدا کرد و خیلی به خدا نزدیک شد، از آن جا که بین دوستان نباید آدابی باشد در این حال عبادت هم که ادب محسوب می شود ساقط می گردد؛ بعد هم یک قافیه ای درست کرده اند و می گویند: «تسقط الآداب بین الأحاب؛ آداب و اخلاق درست بین دوستان، ساقط می شود.» بین شیطان تا کجا منحرف می کند! شکل و ظاهر قشنگی هم به حرف خود داده اند.

یکی از علمای شیعه به نام دیلمی کتاب شریف و لطیفی دارد به نام إرشاد القلوب، ایشان می گوید: کسی به من گفت: جنید بغدادی معروف گفته که: «إذا صحت المودّة، سقطت شروط الأدب؛ هرگاه که محبت ثابت و پایدار شد، شرایط ادب، ساقط می شود.» یعنی دیگر نباید با

ص: ۲۲

خداوند متعال از روی ادب رفتار کرد؛ چون محبت زیاد شده است! این عالم بزرگوار (جناب دیلمی) می گوید: «و هذا غلط» این حرف غلطی است که این آقا یا طرفدارانش درست کرده اند البتّه من نمی دانم او چنین گفته باشد، ولی قطعاً طرفدارانش می گویند . چرا غلط است؟:

إذا صحت المحبة و خلصت، تأكّدت على المحب ملازمة الأدب و الدليل على ذلك أنّ رسول الله - صلى الله عليه و آله و سلم - كان أكثر الناس محبة لله تعالى و أعظمهم أدبا؛ (۱)

هرگاه دوستی، محکم و خالص شد، لزوم رعایت ادب بیشتر می شود؛ دلیل بر این مطلب این است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - از تمام مردم دوستیش نسبت به خدای تعالی بیشتر و ادب آن حضرت از همه ی مردم عظیم تر بود.

چه کسی نزد خداوند، محبوب تر از پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بود، و چه کسی بیش از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - خدا را دوست می داشت. لقب حضرت، حبیب الله است. در عین حال که بالاترین درجات محبت را دارا بود، بالاترین ادب را در برابر خداوند متعال داشت، که اشاره کردیم برای رعایت ادب و تواضع در برابر خداوند در هنگام غذاخوردن به جایی تکیه نمی داد. آن قدر عبادت کرد که آیه نازل شد:

۱- إرشاد القلوب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۱۶۳.

ص: ۲۳

طه □ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى □؛ ۲۱ (۱)

ما قرآن را به تو نازل نکردیم که این قدر به رنج بیفتی.

به هر حال رعایت ادب در برابر ذات اقدس پروردگار و آداب عباداتی همچون دعا، نماز، روزه، حج و ... امور مهمی است که کتاب‌ها از آن مشحون است و باید مؤمنین به آن توجه کافی داشته باشند. از طرف دیگر ادب حضور در محضر خدای سمیع و بصیر و مُنعم و قاهر و قادر باید ما را از ارتکاب گناه بلکه اندیشه‌ی گناه باز دارد. این چه ادبی است که در محضر خدای خود به فکر گناه بیفتیم یا خدای ناکرده آلوده به گناه شویم و بدتر آن که شرم نکنیم و از گناه انجام شده پشیمان نشویم.

### ادب در رابطه با پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - ، ائمه - علیهم السلام - ، علما و اولیا

ادب دیگری که رعایت آن لازم است، در رابطه با پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می باشد. در مورد رعایت ادب با پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - ، ببینید در سوره‌ی مبارکه‌ی حُجرات خداوند متعال چگونه به بندگانش می آموزد با پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - از روی ادب رفتار کنند:

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ □؛ ۲۲ (۲)

۱- سوره‌ی طه، آیات ۱ و ۲.

۲- سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱.

ای کسانی که ایمان آورده اید! بر خدا و فرستاده ی او تقدّم نجوید.

بعد از این فرمان کلی و فراگیر، خداوند متعال می فرماید:

﴿لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾؛ (۲۳) (۱)

(برای رعایت ادب و مقام پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -) صدای خود را (هنگام صحبت) بلندتر از صدای پیامبر نبرید و با او بلند سخن نگوئید همانند آن که با یکدیگر بلند سخن می گوئید، مبدا عمل هایتان حبط و تباہ گردد درحالی که نمی دانید.

پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در مقابل مؤمنین تواضع می فرمود (۲۴) (۲).

۱- .سوره ی حجرات، آیه ی ۲.

۲- . «(قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ) سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَذْكُرُ أَنَّهُ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - مَلَكًا فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخَيِّرُكَ أَنْ تَكُونَ عَبْدًا رَسُولًا مُتَوَاضِعًا عَا أَوْ مَلِكًا رَسُولًا؛ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: فَظَنَرُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - إِلَى جِبْرِئِيلَ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ أَنْ تَوَاضِعَ؛ فَقَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ -: عَبْدًا مُتَوَاضِعًا عَا رَسُولًا؛ فَقَالَ الرَّسُولُ: مَعَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ مِمَّا عِنْدَ رَبِّكَ شَيْئًا؛ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: وَمَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ؛ (مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ) زَمِي گويد: از امام باقر - عَلَيْهِ السَّلَامُ - شنيدم كه مي فرمود: فرشته اي نزد رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - آمد و گفت: خداوند عزوجل اختيار داده است كه بنده، فرستاده و با تواضع باشي يا پادشاه و پيغمبر؛ (امام - عَلَيْهِ السَّلَامُ -) فرمود: پيغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - به جبرئيل نگاه كرد و او با دستش اشاره كرد كه تواضع را انتخاب فرما و آن حضرت - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمود: بنده، متواضع و رسول باشم، و آن پيام آور گفت: با اين كه در هر حال از مقامی كه نزد خدا داری كاسته نشود، امام - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فرمود: و كليل گنج های زمين را هم با خود آورده بود.» كافي، ج ۲، ص ۱۲۲.

ص: ۲۵

عده ای به جای آن که با دیدن تواضع حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - تواضع بیشتر در مقابل ایشان کنند و ارزش این خُلق و خوی خوب را بدانند، سوء استفاده می کردند. بعضی جهالت داشتند. برخی هم منافق بودند و عناد داشتند؛ می آمدند پشت حجره های پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - با بی ادبی، حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - را با کلام یا محمّد! مورد خطاب قرار می دادند. خیال می کردند با بچه ی خودشان یا فردی مثل خودشان رو به رو هستند (۱). این ها کسانی نیستند که ادب داشته باشند؛ به همین خاطر صراحتاً در قرآن کریم مورد توبیخ قرار می گیرند. برخی فکر می کنند این ها چیزهای ساده ای است، درحالی که بسیار مهم است. خداوند متعال در چندین آیه نسبت به این مسائل، عنایت فرموده و آن هایی را که صدایشان را پایین می آوردند و مؤدّب صحبت می کردند مورد لطف و مغفرت قرار داده است. خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾؛ ۲۶ (۲)

۱- البتّه حتّی با فرزندان و افراد دیگر هم باید رعایت ادب بشود.

۲- . سوره ی حجرات، آیه ی ۳.

ص: ۲۶

همانا کسانی که صداهای خود را نزد رسول خدا پایین می آورند، کسانی اند که خداوند، دل هایشان را برای پرهیزکاری آزموده (و آماده ساخته) است، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است.

و کلاً پایین آوردن صدا از آدابی است که قرآن کریم می فرماید جناب لقمان - علیه السلام - به فرزند خود آموخت:

﴿وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾؛ ۲۷ (۱)

و آواز خود را بلند مکن (بلند سخن مگو).

وقتی که بزرگی به خاطر اخلاق برتر خود در مقابل ما تعظیم، تواضع و احترام می کند ما نباید خود را فراموش کرده و به جای تواضع و ادب بیشتر طوری رفتار کنیم که نامناسب باشد. این ادب معاشرت با پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - است. ادب با پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در مورد ائمه - علیهم السلام - هم ساری و جاری است حتی نسبت به قبور مطهر آنان باید رعایت ادب شود تا آن جا که در روایت آمده است که نماز را مقدم بر قبر نخوانید:

... أَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ يَجْعَلُهُ الْأَمَامَ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ لِأَنَّ الْأَمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ؛ ۲۸ (۲)

... اما نماز پس همانا نماز را پشت مرقد شریف در حالی که قبر را در پیش روی خود دارد به جا می آورد و جایز نیست پیش روی قبر مطهر

۱- سوره ی لقمان، آیه ی ۱۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۶۰.



ص: ۲۷

نماز را اقامه کند؛ زیرا کسی بر امام - علیه السلام - نباید مقدم شود.

در مورد کسانی که جانشینان پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و معصومین - علیهم السلام - هستند نیز باید رعایت ادب مناسب بشود. کسی که رفتارش با ولیّ فقیه، مراجع، علما، فقها و حتی با معلّمش مانند رفتارش با دیگران باشد، این خلاف ادب است. از امیرالمؤمنین - علیه السلام - روایت شده است:

مَنْ وَقَّرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ؛ ۲۹ (۱)

کسی که عالمی را بزرگ بدارد خدای خود را بزرگ شمرده است.

و باز از حضرت - علیه السلام - آمده است:

إِيَّاكَ أَنْ تَسْتَخِفَّ بِالْعُلَمَاءِ؛ ۳۰ (۲)

مبادا که عالمان را سبک بشماری.

و در روایتی امیرالمؤمنین - علیه السلام - می فرماید:

قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ لَوْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ ۳۱ (۳)

از جای خود به احترام پدر و استادت برخیز اگر چه امیر و فرمان روا باشی.

خوب دقت بفرمایید! می فرماید: و لو این که فرمانده و

۱- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷، ح ۲۱۸.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷، ح ۲۱۶.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

ص: ۲۸

امیر باشی، هنگامی که پدر یا معلّم وارد شد به احترام او بایست و از جای بلند شو. متأسفانه بعضی از ماها ظرفیت کافی نداریم. اگر موقعیتی برایمان پیدا شود یا شرایط اجتماعی برای ما فراهم گردد، نسبت به معلّم و حتّی نسبت به پدرمان، احترام لازمی را که باید به جا آوریم، انجام نمی دهیم. این ها خلاف اسلام است و روش هایی است که شیطان به ما القا می کند.

ادبی که انسان باید با عالم، معلّم و استاد داشته باشد در روایات، بسیار مورد عنایت قرار گرفته است. آموزه هایی در آداب رفتار با استاد، چگونگی سؤال از ایشان، شیوه ی حضور در مجلس درس، رفتار انسان با خانواده اش، همسرش، فرزندانش، دوستانش، فرمانده اش و زیردستانش، شاگردانش، همسایه اش، میهمانش و ... وارد شده است. هر رفتاری، ادب و آداب مخصوص به خود را دارد که اگر رعایت نشود چه بسا فرد مبتلا به سوء ادب شود؛ مثلاً از مصادیق سوء ادب آن است که فردی تیزی سخن و زیبایی کلام خود را متوجه کسی کند که به او سخن آموخته است. در نهج البلاغه آمده است:

لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ لِسَانِكَ عَلَى مَنْ أَنْطَقَكَ وَ

ص: ۲۹

بَلَاغَهُ قَوْلِكَ عَلَيَّ مَنْ سَدَّدَكَ؛ ۳۲ (۱)

با کسی که ترا سخن آموخته با تندی حرف نزن و با آن که گفتارت را نیکو ساخته، سخن بلیغ و رسای خود را به کار میند.

از دیگر مصادیق سوء ادب، آن است که فردی در گوشه‌ی در حضور دیگران صحبت کند مگر در موارد استثنا. خداوند متعال می‌فرماید:

□ لا- خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا- مَنْ أَمَرَ بِصِدْقِهِ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا؛ ۳۳ (۲)

در بسیاری از سخنان در گوشه‌ی آن‌ها، خیر و سودی نیست مگر کسی که به این وسیله امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند و هرکس برای خوشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

و فرموده است:

□ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْءٌ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ

۱- نهج البلاغه ی صبحی صالح، ص ۵۴۸، حکمت ۴۱۱.

۲- سوره ی نساء، آیه ی ۱۱۴.

ص: ۳۰

عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۳۴﴾ (۱)

نجوا (درگوشی) تنها از سوی شیطان است، می‌خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند ولی نمی‌تواند هیچ‌گونه ضرری به آن‌ها برساند جز به اذن پروردگار؛ پس مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند.

### ادب حضور در میان دوستان، مردم و مسجد

اسلام برای این که بین مردم، پیوند باشد و محبت همه جا را فرا بگیرد، برای سراسر زندگانی و برخوردها و رفتارهای ما ادب قرار داده است. بعضی ادب‌ها مخصوص است و برخی از آداب، عرفی است؛ یعنی انسان خودش می‌تواند بر اساس شرایط و مقتضیات زمان و حکم عقل و شرع، آدابی را ابداع کند؛ البته نه به گونه‌ای که مبتلا به بدعت در شرع شود.

اولین ادب این است که وقتی وارد اجتماع می‌شوی بین برادران، خواهران و دوستان طوری حضور یابی که مناسب باشد. در روایتی درباره‌ی رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - چنین نقل شده است:

أَنَّهُ - صلی الله علیه و آله و سلم - كَانَ يَنْظُرُ فِي الْمِرَاةِ وَيُرْجِلُ جُمَّتَهُ وَيَمْتَشِطُ؛

(پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -) در آینه نگاه می‌کرد و موهای

ص: ۳۱

سرش را منظم می فرمود و شانه می زد.

و رُبَّمَا نَظَرَ فِي الْمَاءِ وَ سَوَى جُمَّتِهِ فِيهِ؛

و گاه با نگاه در آب، موهای سرش را مرتب می فرمود.

و لَقَدْ كَانَ يَتَجَمَّلُ لِأَصْحَابِهِ فَضْلًا عَلَى تَجَمُّلِهِ لِأَهْلِهِ؛

(پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم -) برای اصحاب خود نیز خود را آراسته می کرد، تا چه رسد به اهل خود.

و حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبْدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلُ؛ (۱) ۳۵

خداوند دوست دارد هنگامی که بنده به سوی برادران خود بیرون می رود، خود را برای آن ها منظم کند و بیاراید و زیبا سازد.

صبح که می خواهی بیرون بیایی، اگر با موهای ژولیده، محاسن به هم ریخته، لباس چروک شده و حالت حزین باشی، این ها ارزش

ندارد (۲) ۳۶. همان طور که در روایت دیدیم، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - خودش را می آراست و

۱- وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۱۱.

۲- «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ؛

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - فرمودند: هر یک از شما هنگامی که به دیدار برادر خویش می رود، باید چنان خود را مرتب و

آراسته کند که برای یک بیگانه چنین می کند، بیگانه ای که (با او رودرواسی دارد و) می خواهد او را به بهترین هیئت ببیند.»

وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۱.

ص: ۳۲

سپس در میان مردم حاضر می شد، موهای سرشان را شانه کرده و می آراستند و لباس تمیز می پوشیدند. در آن زمانی که داشتن آینه مشکل بود، حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - چه بسا در آبی نگاه می کردند که ظاهرشان برای بیرون آمدن، آراسته و مناسب باشد. اولین ادب این است که لباس ها منظم باشد. گاهی برخی با همان لباس کارشان وارد مجلس میهمانی می شوند که این عمل با ادب سازگار نیست و مبادا برخی آن را نشانه ی زهد و ساده زیستی بپندارند که در چنین حالتی مرتکب اشتباه شده اند. در روایتی از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده است:

إِنَّمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَدَلِكَ؛ (۱)

همانا اسراف این است که جامه ی آبروداری خود را در همه وقت بپوشی.

نباید لباس کارت را که چه بسا کثیف، پاره، چروک و به هم ریخته است، لباس حضورت در مجالس قرار دهی. برخی با هر وضع و لباسی، به نماز جماعت می روند. اما خداوند متعال می فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾؛ (۲)

۱- بحار الأنوار (ط بیروت)، ج ۷۲، ص ۳۰۳.

۲- سوره ی أعراف، آیه ی ۳۱.

ص: ۳۳

ای فرزندان آدم! (در وقت هر نماز و) در هر مسجدی، آرایش و زینتتان را (به تناسب آن عمل و محل) برگزید.

بعضی با بدن و پاهای عرق کرده ای که بوی بدی به همراه دارد، در مسجد حاضر می شوند! در حالی که انسان برای حضور در مکان شریفی مانند مسجد، باید معطر باشد:

الْعِطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ؛ ۳۹ (۱)

عطر زدن (معطر کردن) یکی از سنت های پیامبران - علیهم السلام - است.

یکی از حکمت های غسل روز جمعه، زدودن بوی زیر بغل و بدن است ۴۰ (۲) و کلاً در مورد روز جمعه و آماده شدن برای نماز جمعه در روایت آمده است:

لِيَتَرَيْنَ أَحَدَكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَغْتَسِلُ وَيَتَطَيَّبُ وَيُسْرِحُ لِحْيَتَهُ وَيَلْبَسُ أَنْظَفَ

۱- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۶، ص ۵۱۰.

۲- «قَالَ الصَّادِقُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي عِلِّهِ غُسْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ: إِنَّ الْأَنْصَارَ كَانَتْ تَعْمَلُ فِي نَوَاضِحِهَا وَأَمْوَالِهَا فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حَضَرُوا الْمَسْجِدَ فَتَأَذَى النَّاسُ بِأَرْوَاحِ آبَائِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - بِالْغُسْلِ فَجَرَتْ بِذَلِكَ السُّنَّةُ؛ امام صادق - علیه السلام - درباره ی علت غسل روز جمعه فرمودند: که انصار با شتران آب کش خود و هم چنین در املاک خود، جهت آبیاری و غیره در طول هفته کار می کردند و چون روز جمعه فرا می رسید در مسجد حاضر می شدند و مردم از بوی ناخوشایند عرق بدن و زیر بغل ایشان در آزار و رنج بودند، پس رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - آنان را به غسل کردن امر فرمودند و بدین گونه سنت بر انجام آن جاری شد» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۱۵.

ص: ۳۴

ثِيَابِهِ وَ لَتَيْتَهَا لِلْجُمُعَةِ؛ ۴۱ (۱)

باید هر یک از شما در روز جمعه زینت کند؛ غسل کند و خود را خوش بو نماید و محاسنش را مرتب کند و تمیزترین لباس هایش را بپوشد و برای جمعه مهیا شود.

یکی از آداب این است که با روی خوش و چهره‌ی متبسم با مؤمنین، برخورد کنیم حتی اگر ناراحتی در ما وجود دارد. در ضمن بر شمردن صفات مؤمن در روایت چنین آمده است:

الْمُؤْمِنُ ... هَشَّاشٌ بَشَّاشٌ لَا بَعْبَاسٍ وَلَا بَجَسَّاسٍ ... ۴۲ (۲)

مؤمن ... خوش رو، خوش خو و غیر اخمو است و غیر کاونده (در امور مردم) است ...

مؤمن، خوش احوال، متبسم و غیر عبوس است. در عین حال، مؤمن فضول هم نیست که مرتب تجسس کند چی شده؟ کجا چه اتفاقی افتاده؟ طرف مقابل ممکن است نخواهد بعضی حرف‌ها را بزند، نباید زیر و رو و بالا و پایینش کرد، صحیح نیست.

۱- کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۳، ص ۴۱۷.

۲- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۲، ص ۲۲۹؛ عبارات مذکور، بخش‌هایی از خطبه‌ی معروف متقین است که در نقل کتاب شریف کافی وجود دارد اما در نقل نهج البلاغه چنین نیامده است.



## ادبِ سلام و هر شادباشی

با خوشرویی و تبسم، به برادران مؤمن سلام کن. درباره‌ی سلام کردن و سبقت گرفتن به سلام سفارش شده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: الْبَادِيُّ بِالسَّلَامِ أَوْلَى بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ ۴۳ (۱)

امام صادق - علیه السلام - فرمودند: آن که اول سلام کند، اولی است به خداوند و رسولش.

این سبقت گرفتن در سلام، سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بود، در وصف حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - آمده است:

يَبْدُرُ مَنْ لَقِيَهُ بِالسَّلَامِ؛ ۴۴ (۲)

(رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم -) پیش دستی در سلام می کرد با هر کس که ملاقات می کرد.

این که یک بار سلام کردید، نگویید بس است؛ آقا صبح که آمدم، سلام کردم دیگر بس است. چندبار از اتاق بیرون می روم و بر می گردم، دیگر سلام کردن معنا ندارد؛ نه، باز هم معنا دارد؛ مگر این که در شرایط خاص و نامناسبی باشد که باید خود انسان متوجه آن باشد تا افراط و تفریط نشود؛ زیرا افراط و تفریط در هر امری،

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۶، ص ۱۴۹.

غلط است. اما به طور کلی کثرت سلام، امر شایسته‌ای است و موجب افزایش محبت در میان مؤمنین می‌شود. راوی می‌گوید: من با امام باقر - علیه السلام - در هودج ۴۵ (۱)، هم سفر بودم. من ابتدا سوار می‌شدم بعد حضرت، وقتی هردو بر مرکب قرار می‌گرفتیم، حضرت سلام می‌کردند و احوال پرسید و مصافحه و وقتی پایین می‌آمدیم و بر روی زمین قرار می‌گرفتیم، باز حضرت سلام کرده، احوال پرسید می‌نمودند و مصافحه می‌کردند... ۴۶ (۲). از روایت

۱- در زمان قدیم، وسیله‌ای بود که بر روی شتر می‌گذاشتند و دو طرف داشت و در هر طرفش کسی می‌نشست. ظاهراً این راوی به همراه امام - علیه السلام - سوار چنین وسیله‌ای بود و او یک طرف و حضرت در طرف دیگر نشسته بودند.

۲- «عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: كُنْتُ زَمِيلَ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَكُنْتُ أُنْدَأُ بِالرُّكُوبِ ثُمَّ يَرْكَبُ هُوَ فَإِذَا اسْتَوَيْنَا سَلَّمَ وَ سَأَلَ مُسَاءَلَةَ رَجُلٍ لَأَعْهَدَ لَهُ بِصَاحِبِهِ وَ صَافَحَ قَالَ: وَ كَانَ إِذَا نَزَلَ نَزَلَ قَبْلِي فَإِذَا اسْتَوَيْتُ أَنَا وَ هُوَ عَلَى الْأَرْضِ سَلَّمَ وَ سَأَلَ مُسَاءَلَةَ مَنْ لَأَعْهَدَ لَهُ بِصَاحِبِهِ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنَّكَ لَتَفْعَلُ شَيْئًا مَا يَفْعَلُهُ أَحَدٌ مِّنْ قَبْلِنَا وَ إِنِ فَعَلَ مَرَّةً فَكَثِيرٌ فَقَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: أَمَا عَلِمْتَ مَا فِي الْمُصَافَحَةِ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَلْتَقِيَانِ فَيُصَافِحُ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَلَا تَزَالُ الدُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْهُمَا كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ وَ اللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا حَتَّى يَفْتَرِقَا؛ أَبُو عُبَيْدَةَ مِي گويد: من، هم کجاوه‌ی امام باقر - علیه السلام - بودم و اول من سوار می‌شدم و سپس آن حضرت، چون قرار می‌گرفتیم حضرت به من سلام می‌کرد و مانند مردی که رفیقش را به تازگی ندیده، احوال پرسید و مصافحه می‌فرمود و هنگام پیاده شدن، او پیش از من پیاده می‌شد، چون بر زمین قرار می‌گرفتیم، سلام می‌کرد و مانند کسی که رفیقش را به تازگی ندیده احوال پرسید می‌نمود. من گفتم: یا ابن رسول الله! شما کاری می‌کنی که هیچ کس از مردم نزد ما نمی‌کند و اگر یک بار هم بکند زیاد است؟ فرمود: مگر ثواب مصافحه را نمی‌دانی؟ دو مؤمن بهم بر می‌خورند و یکی به دیگری دست می‌دهد، پس همواره گناهان آن دو می‌ریزد، چنان که برگ از درخت می‌ریزد، و خدا به آن‌ها توجه می‌فرماید تا زمانی که از یکدیگر جدا شوند.» کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۱۷۹.

استفاده می شود همین که تغییر حال حاصل شد، سلام مناسب است.

از مصادیق افراط در سلام آن است که بدون نیاز ویژه، مسلمان به کافر حتی کافر اهل کتاب سلام کند و یا در جواب سلام آنان، همچون پاسخ سلام مسلمان بدهد. از امیرالمؤمنین - علیه السلام - آمده است:

لَا تَبْدُؤُوا أَهْلَ الْكِتَابِ بِالتَّسْلِيمِ وَإِذَا سَلَّمُوا عَلَيْكُمْ فَقُولُوا وَعَلَيْكُمْ؛ ۴۷ (۱)

۱- کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۶۴۹؛ «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِمَا السَّلَام - عَنْ أَبِيهِ - عَلَيْهِ السَّلَام - قَالَ: لَا تُسَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَلَا عَلَى النَّصَارَى وَلَا عَلَى الْمَجُوسِ وَلَا عَلَى عَبْدِهِ الْأَوْثَانِ وَلَا عَلَى مَوَائِدِ شَرْبِ الْخَمْرِ وَلَا عَلَى صَاحِبِ الشُّطْرُنِجِ وَالتَّرْدِ ... وَلَا عَلَى الشَّاعِرِ الَّذِي يَقْدِفُ الْمُحْصِنَاتِ وَلَا عَلَى الْمُصَلِّيِّ وَذَلِكَ لِأَنَّ الْمُصَلِّيَّ لَا يَسِيحُ تَطِيعُ أَنْ يَرُدَّ السَّلَامَ لِأَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسْلِمِ تَطَوُّعٌ وَالرَّدُّ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ وَلَا عَلَى آكِلِ الرِّبَا وَلَا عَلَى رَجُلٍ جَالِسٍ عَلَى غَائِطٍ وَلَا عَلَى الَّذِي فِي الْحَمَّامِ وَلَا عَلَى الْفَاسِقِ الْمُعْلَنِ بِفِسْقِهِ؛ امام صادق - علیه السلام - می فرماید که پدرشان (امام باقر - علیه السلام -) فرمود: سلام نکنید بر یهودی و نه بر نصرانی و نه بر آتش پرست و نه بر بت پرستان و نه بر سر سفره ی شراب نشینان و نه بر شطرنج باز و نردباز ... و نه بر شاعری که زنان پاک دامن را متهم می سازد و نه بر کسی که در حال نماز است؛ و این به خاطر آن است که (نماز گزار) نمی تواند پاسخ سلام را بگوید؛ زیرا سلام دادن از سلام دهنده مستحب است و پاسخش بر نماز گزار واجب، و سلام نکنید به رباخوار و نه بر کسی که بر قضای حاجت نشسته و نه بر آن که در حمام است و نه بر کسی که آشکارا گناه می کند.» الخصال، ج ۲، ص ۴۸۴.

ص: ۳۸

نسبت به کفار اهل کتاب، آغاز به سلام نکنید و هرگاه به شما سلام کردند در پاسخ بگویید: و علیکم.

یکی دیگر از مصادیق افراط در سلام آن است که انسان به فرد در حال نماز، سلام کند. در روایت آمده است:

لَا تُسَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَلَا عَلَى النَّصَارَى ... وَلَا عَلَى الْمُصَلِّينَ ...؛ ۴۸ (۱)

سلام نکنید بر یهودی و نه بر نصرانی ... و نه بر نمازگزار ...

گرچه، در صورتی که کسی بر نمازگزار سلام کرد حتی اگر سلام کننده کودک ممیز باشد باید جواب او داده شود (۴۹ (۲). و این نکته حائز اهمیت بالایی است که چه

۱- همان.

۲- این نکته در جواب سلام در نماز باید رعایت شود که جواب بیش از سلام نباشد و بلکه در خصوصیات، سلام و جواب مثل یکدیگر باشند. اگر فرضاً سلام کننده گفت: «سلام علیک» در جواب نیز باید گفته شود: «سلام علیک» نه مثل «سلام علیکم»؛ بلکه اگر سلام کننده بگوید: «سلام» که علیکم آن در تقدیر است، بنابر اقوی، در پاسخ نیز باید گفته شود: «سلام» و علیکم آن مقدر باشد.

مقدار شارع مقدّس عنایت بر روی احترام مؤمن و ایجاد الفت بین مؤمنین داشته است که حتّی انسان وقتی مشغول عبادت واجب پروردگار است و ادب اقتضا می کند که هیچ التفاتی به غیر نداشته باشد، اگر مسلمانی سلام کرد، باید نماز گزار پاسخ او را بدهد. و نظیر این مسأله است این که مستحبّ است انسان روزه ی مستحبّی خود را بشکند به خاطر این که مؤمنی او را دعوت به طعمای می کند ۵۰ (۱)، یا طواف را قطع کند برای برآوردن حاجت مؤمنی ۵۱ (۲) و یا در هنگام اعتکاف با

- ۱- روایات متعدّدی بر این مطلب دلالت دارد از جمله روایت صحیح جناب شیخ صدوق از جمیل بن درّاج: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: مَنْ دَخَلَ عَلَى أَخِيهِ وَهُوَ صَائِمٌ فَأَفْطَرَ عِنْدَهُ وَ لَمْ يُعْلِمْهُ بِصَوْمِهِ فَيَمُنَّ عَلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ سَنَةٍ؛ امام صادق - علیه السلام - فرمود: هر که در حال روزه داری به نزد برادر ایمانی اش در آید و نزدش افطار کند و او را از روزه داری خویش آگاه نسازد که بر او مَنّیت نهد، خداوند روزه ی یک سال را بر او نویسد.» کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۴، ص ۱۵۰؛ و روایت صحیح اسماعیل بن جابر: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَدْعُونِي الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا وَهُوَ يَوْمُ صَوْمِي فَقَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: أَجِبْهُ وَ أَفْطِرْ؛ خدمت امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: فردی از اصحاب ما (شیعیان) مرا دعوت می کند در حالی که روز روزه ام (روزه ی مستحبّی) می باشد؟ (حضرت - علیه السلام -) فرمودند: دعوتش را بپذیر و افطار کن.» وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۵۵.
- ۲- در روایت صفوان جمال آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: الرَّجُلُ يَأْتِي أَخَاهُ وَهُوَ فِي الطَّوَافِ فَقَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: يَخْرُجُ مَعَهُ فِي حَاجَتِهِ ثُمَّ يَرْجِعُ وَ يَبْنِي عَلَى طَوَافِهِ؛ به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: شخصی به سراغ برادر (مؤمن) خود می آید (تا برای انجام کاری از او یاری طلبد) در حالی که او مشغول طواف است (در این صورت تکلیف طواف کننده چیست؟) (امام - علیه السلام -) فرمودند: (تکلیف او این است که) در برآوردن حاجتش با او خارج می شود، و پس از آن باز می گردد، و بقیه ی طواف را بر پایه ی طوافی که انجام داده است بنا می کند.» من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۹۵؛ البتّه درباره ی کیفیت بنای بر آن چه انجام شده و برخی خصوصیات دیگر، شروطی است که در جای خود بیان شده است.

ص: ۴۰

شروطی برای عیادت از مریض یا تشیع جنازه از مسجد خارج شود ۵۲ (۱).

به هر حال به این نکته نیز باید توجه کنیم که ادبِ جوابِ سلام را هم داشته باشیم. کسی که به شما سلام کرد، در جوابش به یک سلام خشک و خالی اکتفا نکنید، بلکه بهتر است که شما تحیت و سلامی نیکوتر به او اهدا کنید ۵۳ (۲). خداوند متعال می فرماید:

﴿وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾؛ ۵۴ (۳)

و چون به شما تحیت و درودی گفته شد، شما

۱- در صحیحی حلی آمده است: «... و لَمَّا يَخْرُجُ (أَيِ الْمُعْتَكِفِ) فِي شَيْءٍ إِلَّا لِحَاجَتِهِ أَوْ يَعُودُ مَرِيضًا...» ... (معتكف از مسجد) خارج نشود مگر برای تشیع جنازه ای یا عیادت بیماری ... «کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۹.

۲- همان طور که قبلاً تذکر داده شد، این مربوط به غیر حالتِ نماز است.

۳- سوره ی نساء، آیه ی ۸۶.

تحیتی نیکوتر از آن یا همانند آن را بگویید.

ابتدا خداوند متعال می فرماید: وقتی یک تحیتی برای شما آمد که از جمله ی تحیات، سلام است شما بهتر تحیت بگو؛ اگر کسی به شما گفت: سلامٌ علیکم، شما در جواب بگو: علیکم السلام و رحمه الله و برکاته؛ یعنی پاسخ شما همان سلام، با برکت و خیر بیشتر باشد. حالا اگر کسی حال نداشت، قرآن می فرماید: (رُدُّوها)؛ یعنی همان تحیت مثلاً سلام را به او برگرداند. این چنین نباشد که هر تحیتی برای شما آمد، بی جواب باشد. در ذیل این آیه ی شریفه، روایت می فرماید:

السَّلَامُ وَ غَيْرُهُ مِنَ الْبِرِّ؛ ۵۵ (۱)

سلام و هر نیکی دیگری.

هرگونه تحیتی به سوی شما آمد، مثلش یا بهترش را در مقابل ارائه بدهید؛ البته بهتر این است که تحیت را به أحسن جواب داد ۵۶ (۲). کسی شما را به مهمانی دعوت می کند، شما هم او را دعوت کن. دوستی برای شما هدیه ای می آورد، شما هم در وقت مناسب به او هدیه ای بدهید. ما را به هدیه دادن سفارش کرده اند؛ زیرا هدیه،

۱- بحارالأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص ۷.

۲- از برخی از روایات استفاده می شود نهایت سلام و جواب آن، «سلامٌ علیکم و رحمه الله و برکاته» است و در نتیجه بیشتر از آن افراط است. «وسائل الشیعه، ج ۱۲، بَابُ كَيْفِيَّتِهِ رَدُّ السَّلَامِ عَلَى الْحَاضِرِ وَالْغَائِبِ، ص ۷۰».

ص: ۴۲

محبت را زیاد می کند:

تَهَادُوا تَحَابُّوا؛ ۵۷ (۱)

به یکدیگر هدیه دهید تا دوستی در میان شما برقرار شود.

این ها اخلاق اسلامی و اجتماعی است.

**بزرگ شمردن دوستان و مؤمنان، در حضور و غیاب آنان**

انسان در همه چیز باید ادب و اخلاق حسنه را رعایت کند. با همسر، با فرزندان، با نزدیکان ۵۸ (۲). گمانتان بر این نباشد که با کسی که خیلی صمیمی هستید، دیگر میانتان نیازی به رعایت ادب نیست. در روایتی از امام

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۸؛ و نیز در روایت آمده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَأْكُلُ الْهَدِيَّةَ وَلَا يَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَيَقُولُ تَهَادُوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَسْلُ السَّخَائِمَ وَتُجْلِي ضَمَانِ الْعِدَاوَةِ وَالْأَحْقَادِ؛ امام باقر - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فرمودند: رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - هدیه قبول می فرمود، ولی صدقه را نمی خوردند و می فرمودند: به همدیگر

هدیه بدهید که آن، کینه ها را برطرف می کند و دشمنی ها را از بین می برد.» وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۷.

۲- «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: وَطَنُ نَفْسِكَ عَلَى حُسْنِ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبْتَ فِي حُسْنِ خُلُقِكَ وَكُفِّ لِسَانِكَ وَ اكْظَمَ غَيْظَكَ وَأَقْلَلْ لُغُوكَ وَ تَغْرَسْ عَفْوَكَ وَ تَشِيخُ نَفْسِكَ؛ امام صادق - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فرمودند: عزم خود را جزم کن که با هر کس معاشر و همراه شوی معاشری نیک و خوش اخلاق باشی. زبانت را نگهدار؛ خشم را فرو بخور؛ کار بیهوده ات را کم کن؛ عفو و گذشت خود را بر سر راه مردم بگستر؛ مراقب باش که سخی طبع و گشاده دست باشی.» کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۴، ص ۲۸۶.



ص: ۴۳

باقر - علیه السلام - چنین نقل شده است:

عَظُّمُوا أَصْحَابَكُمْ وَ قَرُّوهُمْ وَ لَا يَتَهَجَّمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَا تَصَارُوا وَ لَا تَحَاسِدُوا وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبُخْلَ وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ؛ ۵۹  
(۱)

یارانتان را بزرگ بشمارید و احترام کنید و به یکدیگر پرخاش نکنید، و به هم ضرر نرسانید و حسد نوزید و از بخل پرهیزید و بندگانِ خالصِ خدا باشید.

این چنین نباشد که با هر کسی که صمیمی هستیم، در جمع خصوصی یا عمومی او را با هر کلام و سخن ناشایست و سبکی مورد خطاب قرار دهیم یا با بی احترامی و بد رفتاری با او برخورد کنیم، فقط به این دلیل که ما با هم صمیمی هستیم! امام - علیه السلام - در روایت می فرماید:

عَظُّمُوا أَصْحَابَكُمْ؛

یارانتان را بزرگ بشمارید.

به عنوان یک معیار کلی در نهج البلاغه آمده است:

كَفَاكَ أَدْبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكَرَّهُهُ مِنْ غَيْرِكَ؛ ۶۰ (۲)

در ادب تو همین بس که از آن چه برای

۱- کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۶۳۷.

۲- نهج البلاغه ی صبحی صالح، ص ۵۴۸، حکمت ۴۱۲.

ص: ۴۴

دیگران نمی پسندی، اجتناب کنی.

مردم و دوستانتان را با اسامی و القابی که دوست دارند و شایسته ی یک انسان مؤمن است، مورد خطاب قرار داده و از ایشان یاد کنید.

در زبان عربی، کُنیه وجود دارد؛ کنیه، اسم قشنگ است؛ یعنی کسی را با کنیه می شود یاد کنند؛ مثلاً امیرالمؤمنین - علیه السلام - نام مبارکشان علی است و کنیه ی ایشان، ابو الحسن است.

در روایت دارد وقتی که در حضور برادر مؤمن هستی، او را با کنیه یاد کن ۶۱ (۱)؛ زیرا این روش، محترمانه تر است. این مطلب بیان گر این نیست که وقتی برادر مؤمن شما نزدتان حاضر نبود، جایز باشد که با هر لفظی او را یاد کنید، بلکه باید در هر حال او را با احترام یاد کرد ۶۲ (۲). این نکته را هم باید خدمتتان عرض کنم از اموری که به پرهیز از آن توجه داده شده این است که مبادا انسان در حضور کسی او را مدح کند و ثنایش را بگوید و خدای نکرده پشت سرش،

۱- «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: إِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَاضِرًا فَكُنَّهِ وَإِذَا كَانَ غَائِبًا فَسَمِّهِ؛ امام رضا - علیه السلام - می فرماید: وقتی از کسی یاد می کنی که حضور دارد، با کنیه از او یاد کن؛ اما وقتی غایب است نام او را ببر.» کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲- البتّه مادامی که به حدّ تملّقی مذموم نرسد که: «لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ التَّمَلُّقُ وَلَا الْحَسِيدُ إِلَّا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ؛ تملّق و حسد برای مؤمن روا نیست مگر در طلب علم.» مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۶۷.

ص: ۴۵

رذائل او را بیان کرده و غیبتش کند. این یکی از بدترین روش‌ها و صفات رذیله است. در روایت دارد کسی که این چنین باشد که در برابر دیگران مدح و ثنای آنان را بگوید و در پشت سر، مذمت کرده و غیبتش کند، روز قیامت دو زبان از آتش برای او خواهد بود (۱).

اسم این افراد را ذو لسانین می‌گذارند؛ یعنی کسی که دو زبان دارد؛ با یک زبان، روبرو مدح می‌کند و با یک زبان، پشت سر قدح می‌کند. می‌گویند: ذو لسانین، ذو وجهین. در روایات، چنین شخصی، عجیب مذمت شده است (۲).

از آداب مهم دیگری که وجود دارد این است که هنگامی که برادر مؤمنت در مجلسی حضور ندارد و مورد غیبت قرار می‌گیرد از او دفاع کنی؛ بلکه اولاً نباید در مجلسی بنشینی که از برادر مؤمنت، غیبت می‌شود. در روایتی از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده است:

۱- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: مَنْ لَقِيَ الْمُسْلِمِينَ بِوَجْهِينَ وَ لِسَانَيْنِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ؛ امام صادق - علیه السلام - فرمودند: هر کس دو رو و دو زبان (منافقانه) با مسلمانان روبرو شود، روز قیامت بیاید در حالتی که دو زبان از آتش دارد.» کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲- «(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ -): يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ كَانَ ذُو وَجْهِينَ وَ لِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا، فَهُوَ ذُو لِسَانَيْنِ فِي النَّارِ؛ (رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: یا اباذر! هر که در دنیا دو زبان و دو رو باشد، در جهنم نیز دو زبانه است.)» الأُمالی (للشیخ الطوسی)، ص ۵۳۷.

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ مَجْلِسًا يُتَقَفَّصُ فِيهِ إِمَامٌ أَوْ يُعَابُ فِيهِ مُؤْمِنٌ؛ ۶۵ (۱)

هر که ایمان به خدا و روز جزا دارد، ننشیند در مجلسی که کم شمارند در آن امام را یا عیب کنند و بد گویند از مؤمنی.

در مرحله ی بعد اگر به هر دلیل غیبتی اتفاق افتاد، شنونده باید ردّ غیبت کند؛ یعنی اگر می داند که مطلب ذکر شده خلاف واقع است بگوید چنین نیست. اگر هم احتمال می دهد که چنین مطلبی صحیح است، مثلاً توضیح دهد که می شود حمل بر صحت کرد.

به هر حال، جز در موارد استثنای غیبت، نمی توان پشت سر کسی ناروا صحبت کرد. البته غیبت هم استثنا دارد. مواظب باشیم که مبادا هر کسی که در مورد شخصی در نبود او صحبت کرد، بگوییم غیبت نکن؛ این گونه رفتار کردن هم، خلاف ادب است. شاید او مجوّز دارد و نمی خواهد غیبت حرام انجام دهد. یادم نمی رود که در زمان طاغوت، طبق وظیفه در جلسه ای در مورد یکی از آخوندهای ساواکی برای حُضار سخنی گفتم تا او را بشناسند و از او اجتناب کنند. در آن جلسه شخص مقدّس مآبی نشسته بود و از این افشاگری، رویش را در هم کشید، به این منظور که این صحبت ها غیبت آن

۱- . کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۳۷۷.

شخص است. در صورتی که در چنین مواردی، غیبت کردن نه تنها جایز، بلکه چه بسا واجب باشد؛ اگر کسی اهل بدعت بوده و یا شایسته‌ی مقامی نباشد؛ مثلاً خود را در معرض تعلیم دین و فتوا قرار دهد، در این صورت برای حفظ دین مردم باید این‌ها را به مردم معرفی کرد. این‌ها از مصادیق غیبت‌های واجب است. ولی آن جایی که انسان می‌داند سخن گفتن از کسی، مصداق غیبت حرام است، ادب اقتضا می‌کند که انسان اولاً در چنین مجلسی ننشیند و ثانیاً اگر غیبتی اتفاق افتاد، از برادر مؤمنش دفاع کند. در روایتی آمده است: اگر کسی غیبت مؤمنی کرد و مؤمن دیگری شنید و دفاع کرد، خداوند متعال در روز قیامت او را یاری می‌کند و اگر دفاع نکرد، خداوند در روز قیامت او را مخدول می‌کند و او می‌گذارد.

در وصیت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - به امیرالمؤمنین - علیه السلام - آمده است:

يَا عَلِيُّ! مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَاسْتَطَاعَ نَصْرَهُ فَلَمْ يَنْصُرْهُ خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ ۶۶ (۱)

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۲؛ «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَنَصْرَهُ وَأَعَانَهُ نَصْرَهُ اللَّهُ وَأَعَانَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَنْصُرْهُ وَلَمْ يُعِنِّهِ وَلَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ وَعَوْنِهِ إِلَّا خَفَضَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ امام باقر - علیه السلام - فرمودند: هر که غیبت شود نزد او برادر مؤمنش و او را یاری و کمک دهد، خداوند او را در دنیا و آخرت یاری کند و اگر با داشتن قدرت، او را یاری نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار و پست می‌گرداند.» وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۱.

ص: ۴۸

ای علی! هرکس در پیش او غیبت از برادر مسلمانش بکنند و او توانای یاری برادر مسلمانش را داشته باشد و یاری نکند، خدا او را در دنیا و آخرت خوار کند.

### ادب در سخن، و اشاره به تفاوت مرد و زن در برخی آداب

یکی از آداب مهم معاشرت و زندگی، نرمی و پاکیزگی و دل نشین بودن سخن با مردم است. خداوند متعال در یک فرمان فراگیر می فرماید:

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾؛ ۶۷ (۱)

و با مردم به زبان خوش سخن گوید.

و در روایات متعددی سفارش به پاکیزگی و مطبوع بودن کلام شده است. از جمله از امیرالمؤمنین - علیه السلام - آمده است:

أَطِيبُوا الْكَلَامَ...؛ ۶۸ (۲)

۱- سوره ی بقره، آیه ی ۸۳؛ خطاب در آیه ی شریفه گرچه به بنی اسرائیل است اما به شهادت روایات، ملاک آن عام است؛ در روایت از امام باقر - علیه السلام - در تفسیر آیه چنین آمده است: «قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تَحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ فِيكُمْ؛ بگوئید به مردم بهترین آن چه دوست دارید در مورد شما گفته شود.» کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۲، ص ۶۴۵.

ص: ۴۹

به خوبی و پاکیزگی سخن بگویید ...

البته به یک نکته ی بسیار مهم باید توجه شود که ادب زن و مرد در میان خودشان و چه در اجتماع چه بسا متفاوت از یکدیگر باشد؛ از جمله در «کلام» که باید زنان از نرمی گفتار در برابر نامحرم اجتناب کنند. خداوند متعال خطاب به زنان پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرماید:

﴿أَفَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾؛ ۶۹ (۱)

پس به نرمی سخن مگویید.

یا در مورد پوشش زنان می فرماید:

﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾؛ ۷۰ (۲)

و روسری های خود را تا گریبان، فروگذارند.

و نیز فرموده است:

﴿يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيهِنَّ﴾؛ ۷۱ (۳)

بالا پوش خود را بر خویش بیفکنند.

خداوند متعال در سوره ی مبارکه ی نور آیه ی شریفه ی ۳۱ دو بار می فرماید:

﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾؛

زنان، زینت های خود را آشکار نسازند. ۷۲ (۴)

۱- سوره ی احزاب، آیه ی ۳۲.

۲- سوره ی نور، آیه ی ۳۱.

۳- سوره ی احزاب، آیه ی ۵۹.

۴- و در روایت صحیح از بازو تا مچ های زنان از زینت در این آیه شمرده شده است و نیز هرچه زیر روسری و انگوست. فضیل بن یسار می گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَام - عَنِ الدَّرَاعِيْنَ مِنَ الْمَرْأَةِ أَ هُمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾؟ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَام - : نَعَمْ وَمَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ وَمَا دُونَ السَّوَارِيْنِ؛ از امام صادق - علیه السلام - از ذراعین (محدوده ی بین بازو تا مچ) زنان سوال پرسیدم که آیا آن دو از زینتی هستند که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «زنان، زینت های خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان ...»؟ (حضرت - علیه السلام -) فرمودند: بله، و هم چنین آن چه که زیر

روسری و زیر‌النگوست، زینت می باشد.» کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۵، ص ۵۲۰.



ص: ۵۰

و در مورد اول، استثنای مقداری را که لازم نیست بپوشانند ذکر می فرماید، یعنی:

إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهُ؛

جز آن مقدار از آن ها که پیداست.

و در مورد دوم، افرادی را که لازم نیست زنان، زینت خود را در برابر آنان بپوشانند، ذکر فرموده است، یعنی:

إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أَوْلِيِّ الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ؛

مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران

ص: ۵۱

خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند.

و از پاکیزگی در رفتار و کلام است شکرگزاری نسبت به کسانی که خدمتی به شخص و یا جامعه ارائه داده اند. در روایت آمده است:

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛ ۷۳ (۱)

هر کس که پاس نعمت خویش از مخلوق را ندارد، خداوند عزوجل را شکر نکرده است.

### ادبِ مُدارا، هوشیاری و تغافل

انسان باید در گفتار و رفتار خود در عین رعایت حکمت و معرفت، نرم و سهل باشد، و تندى و خشونت مگر در موارد استثنا از مؤمن به دور است. در روایت آمده است:

الْمُؤْمِنُونَ هَيُّونَ لَيُّونَ؛ ۷۴ (۲)

مؤمنان نرم خو و ملایمند.

و حتّی در معامله که مبنی بر هوشیاری است در عین نهی از غافل شدن و امر به دقت و بصیرت و عدم

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۳.

۲- کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۲۳۴؛ و می توان چنین نیز اعراب کرد: «الْمُؤْمِنُونَ هَيُّونَ لَيُّونَ.»

ص: ۵۲

اعتماد بی جا در روایت آمده است:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْعَبْدَ يَكُونُ سَهْلَ الْبَيْعِ سَهْلَ الشِّرَاءِ سَهْلَ الْقَضَاءِ سَهْلَ الْإِقْتِضَاءِ؛ ۷۵ (۱)

خداوند متعال بنده ای را دوست دارد که در معاملاتش سهل گیر باشد، در فروش، آسان بگیرد، در خرید، آسان گیرد، و در پرداخت و دریافتش نیز آسان بگیرد.

و به طور کلی، مؤمن در عین فطانت و هوشیاری «الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ» ۷۶ (۲) مؤمن، هوشیار و دقیق و محتاط است. در بسیاری از موارد، خود را به غفلت می زند به گونه ای که دیگران گمان می برند که فریب خورده است درحالی که این یک غفلت دستوری بوده که برای رضای خداوند و صلاح حال خود و جامعه انجام داده است و از روی کرامت و بزرگواری، از بعضی ناهنجاری ها و بی ادبی ها گذشته است. از امیرالمؤمنین - علیه السلام - نقل شده است:

تَغَافَلٌ يُحَمِّدُ أَمْرُكَ؛ ۷۷ (۳)

تغافل کن تا ستوده شود کار تو.

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۶.

۲- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۴، ص ۳۰۷.

۳- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۱، ح ۱۰۳۷۲.

ص: ۵۳

مراد، تغافل از بی ادبی‌ها و تقصیرات نزدیکان و معاشران است و خود را بی‌خبر وانمودن کردن.

و نیز:

مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغُضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَغَّصَتْ عَيْشَتُهُ؛ ۷۸ (۱)

هر که تغافل نکند و چشم‌پوشد از بسیاری از کارها، زندگانش تیره و ناصاف گردد.

نقل شده است جاحظ (أبو عثمان عمرو بن بحر الجاحظ) دانشمند معروف اهل تسنن در کتاب البیان و التبیان گفته است: حَقًّا جَمَعَ كَرَدَهُ اسْتِ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (امام باقر - علیه السلام -) صَلَاحُ حَالِ دُنْيَا رَا بِأَتَمَامِ زَوَايَايَ آن در دو کلمه:

صَلَاحُ حَالِ التَّعَايُشِ وَ التَّعَاشِرِ مِلْءُ مَكْيَالٍ ثَلَاثَةٌ فَطَنُهُ وَ ثَلَاثَةٌ تَغَافُلُهُ؛ ۷۹ (۲)

۱- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۱، ح ۱۰۳۷۵.

۲- الأنوار البهیة، ص ۱۴۱؛ البتة طبق برخی نرم افزارها در کتاب البیان و التبیان چنین آمده است: «وقد جمع محمد بن علی بن الحسین صلاح شأن الدنيا بحذافيرها في كلمتين فقال: صلاح شأن جميع التعايش و التعاشر ملء مكیال ثلاثه فطنه و ثلاثه تغافل ...» ج ۱، ص ۸۴؛ (تحقیق و شرح: عبد السلام هارون، دارالنشر: مکتبه الخانجی القاهره، چاپ هفتم، سال ۱۴۱۸هـ، ۱۹۸۸م).

ص: ۵۴

مصلحت زندگی و معاشرت اجتماعی به پیمان‌ه ای پُر مانند که دو سوم آن هوش و زیرکی؛ و یک سوم نادیده گرفتن و تغافل است.

### حتی از کنار عطسه ی مؤمن، بی اعتنا نباید گذشت!

یکی دیگر از آداب مورد سفارش، تسمیت است؛ یعنی مستحب است اگر کسی عطسه کرد، برادر مؤمنش برای او دعا کرده، تحیت بگوید. مثلاً به او بگوید: خدا تو را رحمت کند (یرحمک الله):

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - إِذَا عَطَسَ فَقِيلَ لَهُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ؛

هرگاه امام باقر - علیه السلام - عطسه می کرد و به او می گفتند: خداوند تو را رحمت کند، ایشان در پاسخ آنان می فرمودند: خداوند بر شما ببخشد و شما را رحمت کند.

و إِذَا عَطَسَ عِنْدَهُ إِنْسَانٌ؛

و هرگاه کسی در حضور امام باقر - علیه السلام - عطسه می کرد؛

قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: يَرْحَمُكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ ۸۰ (۱)

۱- کافی (ط - الإسلامیه)؛ ج ۲، ص ۶۵۵؛ با آن که در زبان عربی به کارگیری صیغه ی جمع برای مفرد مرسوم نیست در برخی روایات ذکر شده است که در سه مورد با صیغه ی جمع خطاب می شود هر چند مخاطب یک نفر باشد: «ثَلَاثَةٌ تُرَدُّ عَلَيْهِمْ رَدَّ الْجَمَاعَةِ وَإِنْ كَانَ وَاحِدًا؛ سه گروه هستند که مانند خطاب قرار دادن جماعت، ایشان را مورد خطاب قرار می دهند اگر چه یک نفر باشد؛ عِنْدَ الْعَطَاسِ يُقَالُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ غَيْرُهُ؛ هنگام عطسه کردن گفته می شود: يَرْحَمُكَ اللَّهُ و اگر چه شخص دیگری با او نباشد؛ وَالرَّجُلُ يُسَلِّمُ عَلَى الرَّجُلِ فَيَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛ و هنگامی که مردی (شخصی) به مردی (دیگری) سلام می کند، می گوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛ وَالرَّجُلُ يَدْعُو لِلرَّجُلِ فَيَقُولُ: عَافَاكُمْ اللَّهُ وَإِنْ كَانَ وَاحِدًا فَبِأَنَّ مَعَهُ غَيْرُهُ؛ و هنگامی که مردی (شخصی) برای مردی (دیگری) دعا می کند، می گوید: عَافَاكُمْ اللَّهُ اگر چه یک نفر باشد؛ زیرا که دیگری (فرشتگان) با اوست.»

کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۶۴۵؛ و در روایتی درباره ی کیفیت سلام در مورد زنان چنین آمده است: «سَأَلَ عَمَّارُ السَّابَاطِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنِ النِّسَاءِ كَيْفَ يُسَلِّمْنَ إِذَا دَخَلْنَ عَلَى الْقَوْمِ؟ قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: الْمَرْأَةُ تَقُولُ: عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَالرَّجُلُ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛ عَمَّارُ سَابَطِيُّ از امام صادق - علیه السلام - سؤال کرد: زنان چگونه بر جماعت مردان سلام کنند؟ امام فرمود: زن می گوید: عَلَيْكُمُ السَّلَامُ، و مرد می گوید: سلام عليكم.» من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۰.

ص: ۵۵

ایشان می فرمودند: خداوند عزوجلّ تو را رحمت کند.

در روایت آمده است اگر این حقّ را برای برادر

ص: ۵۶

مؤمنت انجام ندادی، روز قیامت می تواند از تو بازخواست کند البتّه در حدّ بازخواست استجابی و به نفع او و علیه تو حکم می شود ۸۱ (۱).

### نمونه ای از شدت اهتمام یاران امامان - علیهم السلام - به شناخت و عمل به آداب

عده ای در آن زمان هایی که حمام در منزل نبود، در مدینه به حمام رفته بودند؛ در مسیر برگشت، امام صادق - علیه السلام - با آنان برخورد کردند، ادامه ی روایت چنین است:

فَقَالَ - عليه السلام - لَنَا: مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتُمْ؟

امام - علیه السلام - به ما فرمود: از کجا می آید؟

فَقُلْنَا لَهُ: مِنَ الْحَمَّامِ؛

گفتیم: از حمام.

فَقَالَ - عليه السلام -: أَنْقَى اللَّهُ غَسَلُكُمْ؛

حضرت فرمود: خدا شستشوی شما را پاکیزه گرداند.

فَقُلْنَا لَهُ: جُعِلْنَا فِدَاكَ!

عرض کردیم: فدای شما گردیم!...

۱- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - : لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا لَا بَرَاءَةَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ يَغْفِرُ زَلَّتْهُ وَيَرْحَمُ عَجْبَتَهُ ... وَيُسَيِّمُتْ عَطَسَتُهُ...؛ رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمودند: مسلمان بر برادر مسلمانش سی حق دارد که از آن ها بری نشود جز به ادای آن ها یا گذشت حق دار: از لغزشش درگذرد، به اشکش رحم آورد، ... عطسه اش را خیر باشد گوید، ... «وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۳.

ص: ۵۷

این ها دیگر نتوانستند در جواب امام - علیه السلام - چیزی بگویند، گفتند: قربان شما شویم آقا، بعد پیش خودشان گفتند: معلوم است این تحیتی است که جواب مناسب دارد، باید از خود امام - علیه السلام - یاد بگیریم، چگونه یاد بگیریم؟ بهتر این است که ما با امام - علیه السلام - همراه شویم؛ زیرا معلوم بود که به حَمَام می روند، وقتی بیرون آمدند، همین تحیت را به ایشان بگوییم تا ببینیم جواب چیست. نشستند، امام - علیه السلام - استحمامشان تمام شد و بیرون آمدند، خدمت حضرت - علیه السلام - عرض کردند:

أَنْفَى اللَّهُ غَسْلَكُمْ؛

خدا شستشوی شما را پاکیزه گرداند.

حضرت در جواب فرمودند:

طَهَّرَكُمْ اللَّهُ؛ ۸۲ (۱)

خداوند شما را پاکیزه کند.

این ها آداب اجتماعی است، هم دعا و توجه به خداست و هم محبت بین افراد را زیاد کرده و ما را به هم دیگر نزدیک می کند. به هر حال، طبق دستورات اسلام همان طوری که عرض کردیم برای هر چیزی ادبی هست. از هنگام تولد فرد بلکه قبل از تولد او، آن وقتی که پدر و مادرش می خواهند ازدواج کنند در شریعت اسلام

۱- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۶، ص ۵۰۰؛ تحیات دیگری هم برای استحمام، در روایات آمده است.



ص: ۵۸

برایش آدابی در نظر گرفته شده است. آداب النکاح از مسائل مهمی است که در روایات و کتاب های فقهی وجود دارد. چه آدابی باید در هنگام خواستگاری، عقد و در هنگامی که عروس به منزل آورده می شود، رعایت گردد. در هنگام حاملگی، در هنگامی که بچه متولد می شود، بعد از تولد تا هنگامی که بزرگ می شود و تا آن زمانی که می خواهند ما را در قبر بگذارند، همه ی این ها آداب دارد، و مؤمن باید این آداب را مورد توجه قرار دهد.

### بهترین میراث

آخرین مطلبی را که می خواهم خدمت شما بزرگواران عرض کنم این است که در روایت از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده است که:

إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ وَالْأَدَبُ يَبْقَى؛ ۸۳ (۱)

نیکوترین میراث پدران برای فرزندانشان، ادب است نه مال؛ زیرا مال می رود و ادب باقی می ماند.

اگر کسی فرزندش را با ادب تربیت کند ادب به معنای وسیعش؛ یعنی ادب با خداوند متعال، ادب با پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله و سلم -، ادب با معصومین - علیهم السلام -، ادب با والدین، ادب با مردم و ... بهتر از آن است که میلیاردها برای او

۱- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۸، ص ۱۵۰.

ص: ۵۹

مال باقی بگذارد.

خداوند به همه ی ما توفیقِ متأدب شدن به آدابِ الهی و رعایتِ ادب با خداوند متعال، پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - ، اهل بیت - علیهم السلام - و همه ی بزرگان و مؤمنین و آحاد مردم را عنایت بفرماید.

و آخر دعوانا

أن الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

